فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۸، صص ۲۶۹ - ۲۴۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۱۱۰

موانع تحکیم دموکراسی ترکیه (۲۰۰۲ میلادی تاکنون) «ماهیت سیاسی هیبریدی، رهبری اقتدارگرا و ساختار حزبی اولیگارشیک [۱]»

حسن صادقیان[۲]
دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)
عباسعلی رهبر [۳]
دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۳ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۵**

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

فرایند دموکراتیزاسیون و تحکیم دموکراسی ترکیه در طول بیش از یک قرن اخیر، با موانع مختلفی مانند دخالت نظامیان، اپوزیسیون ناکارآمد و منفعل، عملکرد غیردموکراتیک و حامی‌پرور طریقت‌های مذهبی-سیاسی، شکاف‌های قومی و مذهبی، رهبران حکومتی اقتدارگرا، عملکرد ضعیف و گاهی جانبدارانهٔ احزاب سیاسی، سیاست‌های متناقض بین‌المللی [فشارهای سیاسی-ملاحظات ایدئولوژیک اتحادیه اروپا و آمریکا]، روح زمانه [قدرت‌گیری نظام‌های سیاسی افراطی و حامی دیکتاتوریسم در نظام بین‌الملل]، تأثیرات اشاعه‌ای [تحولات منطقه‌ای] مواجه شده است که هر کدام در تضعیف و ناکامی فرایند دموکراتیزاسیون و تحکیم دموکراسی مؤثر بودند. پژوهش حاضر بر این مدعاست که موارد مذکور، هرچند در دورهٔ حاکمیت حزب عدالت و توسعه همچنان جزو موانع تأثیرگذار محسوب می‌شوند، اما درصد تأثیرگذاری آنها به مراتب کاهش یافته است. در عوض، مانع جدیدِ چندلایه‌ایِ متصل برهم، با عنوان «ماهیت سیاسی ترکیبی و چندرگه‌ای-شخصیت اقتدارگرای رهبری -ساختار حزبی متصلب و اولیگارشیک»، ظهور یافته است که می‌توانآن را به عنوان «تأثیرگذارترین مانع» تعبیر کرد. این مانع جدید، در اصل منطبق با روش‌ها یا مدل‌های حکومتی ترکیبی با عنوان «دموکراسی هیبریدی» عمل می‌کند که اساساً در ذات و بطن خود موانعی برای تحکیم دموکراسی دارند. محتوای پژوهش حاضر به لحاظ روش‌شناختی مبتنی بر منابع اسنادی (کتابخانه‌ای)، از حیث روش‌شناسانه و بر پایه روش توصیفی - تحلیلی و از لحاظ چارچوب نظری طبق مدل حکومتی هیبریدی تنظیم و تولید شده است.

واژه‌های کلیدی: دموکراسی، تحکیم، ماهیت سیاسی، اقتدارگرا، هیبریدی، ترکیه.

۱. این مقاله از رساله دکتری اقتباس شده است.

2. hasansadeqiyankumar@gmail.com
3. aa.rahbar@atu.ac.ir

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

چارچوب نظری: دموکراسی‌های هیبریدی

اصولاً دورهٔ بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (بعد از جنگ سرد سال‌های ۱۹۹۰م) فصل گسترش رژیم‌هایی بود که با عنوان دموکراسی‌های «هیبریدی- ترکیبی» معروف شدند. این نوع دموکراسی‌ها در کشورهای آفریقایی نظیر الجزایر، کنیا، موزامبیک، زامبیا و ...، کشورهای اوراسیایی نظیر آلبانی، روسیه، صربستان، اکراین، جمهوری آذربایجان ...، کشورهای آسیایی مانند مالزی و تایوان، مصر، فیلیپین، کشورهای آمریکای لاتین نظیر مکزیک، پاراگوئه، برزیل، آرژانیتن، پرو و ... نمود واقعی یافتند و طی دوره‌هایی شیوهٔ حکومت‌داریِ اصلی محسوب شدند.

دموکراسی‌های هیبریدی، بعدها از سوی برخی نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران به انواع مختلفی نظیر «شبه دموکراسی»، «دموکراسی مجازی»، دموکراسی انتخابی/ الکترال»، «دموکراسی کاذب»، «دموکراسی غیرلیبرال»، «دموکراسی انحصاری»، «دموکراسی تفویضی»، «دمکراسی قیمومتی»، «شبه اقتدارگرایی»، «اقتدارگرایی انعطافی»، «اقتدارگرایی انتخابی/ الکترال»، «اقتدارگرایی رقابتی» و غیره تقسیم‌بندی و تعریف شدند. با این حال همه این رژیم‌ها، دارای ۳ خصوصیت اصلی هستند:

۱. فرم‌های ناکافی یا ناقص فرایند دموکراتیزاسیون هستند.

۲. در گذار به دموکراسی ناموفق بوده و به تحکیم دست نیافته‌اند.

۳. معمولاً در یک «منطقه خاکستری» قرار دارند؛ یعنی محیطی که در آن قوانین دموکراتیک با حکومت‌داری اقتدارگرایانه ترکیب شده است.

ارگون اوزبودون یکی از صاحب‌نظران مهم عرصه سیاست ترکیه در کتاب سیاست در ترکیه معاصر: چالش‌های تحکیم دموکراسی، معتقد است که میان دموکراسی کامل تا تحکیم دموکراسی یک «منطقه خاکستری» وجود دارد و تلاش می‌کند تا دموکراسی ترکیه را در این چارچوب بررسی کند (اوزبودون[1]، ۲۰۰۰). تعریف ایشان از منطقه خاکستری منطبق با ویژگی‌ها و خصوصیات دموکراسی‌های هیبریدی به ویژه از نوع تفویضی است.کریستین گوبل هم در مقاله «شبه‌اقتدارگرایی» خود، رژیم‌های شبه‌اقتدارگرا را در «منطقه خاکستری» طبقه‌بندی می‌کند که نه کاملاً دموکراتیک و نه کاملاً اقتدارگرا هستند. به اعتقاد گوبل از دهه

1. Özbudun

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

۱۹۹۰ تعداد کشورهای این منطقه خاکستری بدون شک افزایش یافته است. ایشان رژیم‌هایی از نوع شبه اقتدارگرایی نظیر «شبه دموکراسی»، «دموکراسی تفویضی» و غیره را گروه بزرگی از نظام‌های جا مانده از طبقه‌بندی دموکراتیک و غیردموکراتیک یاد می‌کند. (گوبل[1]، ۲۰۱۲: ۲-۱) تریکارل هم پیشنهاد می‌کند که «رژیم هیبریدی» را به عنوان یک نوع رژیم منحصربه‌فرد که ترکیبی از انتخابات آزاد و عادلانه با عناصر استبدادی است، تعریف کند. (همان: ۸)

همچنین یک تیم تحقیقاتی به رهبری ولفگانگ مرکل[2] به منظور تفکیک و طبقه‌بندی انواع روش‌های حکومتی، یک مفهوم سخت با عنوان «دموکراسی تحکیم‌یافته» با پنج شاخص عمده شامل «انتخابات، مشارکت عمومی، قدرت مؤثر حاکمیت، پاسخگویی افقی و آزادی‌های مدنی» تدوین کردند. با توجه به این شاخص‌ها، در مجموع ۳٤ «عیب و نقص» برای دموکراسی‌های معیوب استخراج می‌شود. بدین ترتیب، ذیل دموکراسی تحکیم‌یافته، ٤ زیرمجموعهٔ فرعی دموکراسی شامل «دموکراسی انحصاری»، «دموکراسی قیمومتی»، «دموکراسی تفویضی» و «دموکراسی غیرلیبرال» معرفی می‌شود (همان: ۷) که در اصل همهٔ آنها جزو دموکراسی‌های هیبریدی هستند.

مارینا اوتاوی یکی دیگر از صاحب‌نظرانِ این حوزه، معتقد است «این وضعیت بینابینی (یعنی منطقه خاکستری) بیشتر در نظام‌های سیاسی هیبریدی اعم از شبه‌اقتدارگرا یا دموکراسی تفویضی ظهور می‌یابد. نظام‌های پیچیده‌ای که ترکیب متنوعی از آزادی‌های لفظی لیبرال دموکراسی، وجود برخی نهادهای صوری دموکراتیک و احترام به حوزه محدودی از آزادی‌های مدنی و سیاسی را به نمایش می‌گذارند. با این حال خصلت‌های اساسی این رژیم‌ها، غیرلیبرال و حتی اقتدارگرایانه است. به علاوه، این ویژگی مبهم و دوپهلو، حالتی عمدی دارد. رژیم‌های شبه‌اقتدارگرا، خصلت‌های سیاسی دو رگه [یا حتی چندرگه‌ای] دارند. در این رژیم‌ها، عرصه محدودی برای رقابت واقعی به منظور کسب قدرت وجود دارد و به علت همین محدودیت، پاسخگوییِ حکومت کاهش می‌یابد. در عین حال، این رژیم‌ها فضای سیاسی را تا آن حد تحمل می‌کنند که احزاب سیاسی و سازمان‌های مدنی شکل بگیرند، مطبوعات مستقل تا اندازه‌ای فعالیت کنند و برخی مباحث و گفت‌وگوهای سیاسی مطرح شوند (میرترابی،۱۳۸٦:۷-٦).

1. Göble
2. Wolfgang Merkel

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

در حقیقت، مفهوم‌سازی رژیم‌های هیبریدی بر دو اصل رویهٔ دموکراتیک «رابرت دال» متمرکز هستند: ۱. رقابت برای اداره سیاسی و ۲. مشارکت عمومی در سیاست. بدین معنا که رژیم‌های هیبریدی از یک سو به اعطای بسیاری از حقوق سیاسی لازم برای رقابت سیاسی تمایل دارند، اما از سوی دیگر، با محروم کردن برخی از گروه‌های اجتماعی به صورت سیستماتیک، محدود کردن حق مشارکت در سیاست و تضعیف پارلمان، قوه قضائیه و دیگر نهادهای نظارتی، سیاست روزمره را تحت کنترل خود درمی‌آورند.

۱. روش حکومتی حزب عدالت و توسعه

اساساً یک همبستگی قوی میان روش حکومت‌داری و فرایند دموکراتیزاسیون وجود دارد. اگر روش حکومتی که ساختار سیاسی براساس آن حکومت می‌کند، دموکراتیک‌تر، شفاف‌تر، مشارکتی‌تر و توافقی‌تر باشد، فرایند دموکراتیزاسیون موفق‌تر و نتیجه بخش‌تر می‌شود، اما اگر روش حکومتی غیرشفاف و ماهیت هیبریدی‌تر- ترکیبی‌تر داشته باشد، فرایند دموکراتیزاسیون ناقص باقی می‌ماند و چه بسا یک واگشت به سمت اقتدارگرایی صورت می-گیرد.فرایند دموکراتیزاسیون ترکیه در اصل گرفتار همین «نقص روش حکومتی» است. به همین دلیل، به‌رغم گذشت بیش از یک قرن از تاریخ پروسه مدرنیزاسیون و دموکراتیزاسیون ترکیه، این کشور همچنان در تقاطع چالش‌های گوناگون قرار دارد. به تعبیر «یونگ»،[1] ترکیه هنوز «کارخانه پیچیده»ای است که تعامل متغیرهای متعدد آن، موجب ظهور متغیرهای جدیدِ پیش‌بینی نشده‌ای می‌شود. متغیرهایی که بار دیگر متغیرهای اولیه را تحت تأثیر قرار داده و صورت اولیه آنها را تغییر می‌دهد (قهرمان‌پور، ۱۳۸۲:۳-۲).در اصل ماهیت «دو رگه‌ای یا چندرگه‌ای» بودن حزب عدالت و توسعه اعم از اسلام‌گرایی، محافظه‌کاری، دموکراتیک، مدرن‌گرا، ملی‌گرا، لیبرال و غیره،وضعیت کنونی حزب عدالت و توسعه را همچون کارخانه‌ای پیچیده کرده که تعامل متغیرهای متعدد آن، موجب ظهور متغیرهای جدیدِ پیش‌بینی‌نشده‌ای می‌شود. بی‌دلیل نیست کهاوزبودون معتقد استکه اگر دوره سوم حکومت‌داری حزب عدالت و توسعه را نتوان به طور کامل با عبارت «اقتدارگرایی» توصیف کرد، بر اساس نظر گیلرمو

۱. کتاب یونگ ترکیه در تقاطع چالش‌های گوناگون، ترجمه و تخلیص از رحمن قهرمان‌پور، ۱۳۸۲. آدرس منبع اصلی:
Dietrich Jung with WolfangoPiccoli, «Turkey at the Crossroads: Ottoman Legacies and a Greater Middle East, Londaon\ New York: Zed Books\ 2001, 231 pages.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

اودانل می‌توان آن را دموکراسی هیبریدی از نوع«دموکراسی تفویضی» نامید(اوزبودون، ۲۰۱٤: ۱٦۲).

ضد نهادینگی و پاسخگویی افقی، ضد نورم‌های سیاسی، قیمومتی مدنی، ماهیت حزبی متصلب و اولیگارشیک، ساختار سیاسی ترکیبی، دستکاری غیردموکراتیک قانون اساسی، محدودیت جامعه مدنی، بهره‌مندی از روش پلبیسیتی برای تغییر و تصویب قوانین و موضوعات مهم، استفاده از وضعیت اضطراری و حکم‌های حکومتی و فراقانونی از جمله ویژگی‌های حکومت‌داری حزب عدالت و توسعه به ویژه از سال‌های ۲۰۰۵ میلادی به بعد است که همه در قالب رژیم‌های هیبریدی معنا می‌یابند.

بنابراین، نگارندگان معتقد است که برخلاف ادعای رهبران سیاسی ترکیه، طی دو دهه اخیر به ویژه از سال ۲۰۰۷ به بعد، روش حکومتی ترکیه نه از نوع دموکراسی لیبرال- محافظه‌کار بلکه جزو روش حکومت‌داری «هیبریدی از نوع تفویضی و شبه اقتدارگرا» بوده است. به عبارت دیگر، حزب عدالت و توسعه بر خلاف دورهٔ اولیه حکومت‌داری (۲۰۰۷-۲۰۰۲ م)، که تقریباً در قالب دموکراسی لیبرال- محافظه‌کار عمل می‌کرد، در دوره‌های دوم (۲۰۱۲-۲۰۰۷) و دوره سوم (۲۰۱۸-۲۰۱۲) و دوره چهارم (۲۰۱۸تاکنون) روش حکومتی هیبریدی از نوع تفویضی و شبه اقتدارگرا را اتخاذ کرده و محدودیت‌های زیادی در قبال فرایند دموکراتیزاسیون ترکیه ایجاد کرده است. طوری که بعد از دو دهه حاکمیت، فرایند دموکراتیزاسیون ترکیه با موانع زیادی روبه‌رو شده است:

۱. ماهیت سیاسی دوگانه- ترکیبی، نظام حزبی متصلب و اولیگارشیک و رهبری اقتدارگرا.
۲. بلوک اپوزیسیون منفعل و متضاد.
۳. نهادهای دینی و طریقتی واسطه‌ای و بعضاً مداخله‌گر.
٤. بازنگری یا دست‌کاری مکرر قانون اساسی، تضعیف استقلال دادگاه‌ها و قوه قضائیه.
۵. فضای متناقض و بعضاً متضاد نظام بین‌الملل از جمله رویکرد مغلطه‌آمیز اتحادیه اروپا در اعمال موازین کپنهاگ و پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا و بحران‌های منطقه‌ای نظیر انقلاب‌های اخیر خاورمیانه.

در پژوهش حاضر،به بررسی مورد اول به عنوان مهم‌ترین مانع تکمیل فرایند دموکراتیزاسیون و تحکیم دموکراسیِ تاریخ دو دهه اخیرترکیه پرداخته شده است:

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

موانع تحکیم دموکراسی در دولت حزب عدالت و توسعه (سال‌های ۲۰۰۲ تاکنون)

در طول یک قرن اخیر فرایند دموکراتیزاسیون و تحکیم دموکراسی در ترکیه با موانع مختلفی مانند دخالت نظامیان، اپوزیسیون ناکارآمد و منفعل، عملکرد غیردموکراتیک و حامی‌پرور طریقت‌های مذهبی- سیاسی، شکاف‌های قومی و مذهبی، رهبران حکومتی اقتدارگرا، عملکرد ضعیف و گاهی جانبدارانه احزاب سیاسی، سیاست‌های متناقض بین‌المللی [فشارهای سیاسی- ملاحظات ایدئولوژیک اتحادیه اروپا و آمریکا]، روح زمانه [قدرت‌گیری نظام‌های سیاسی افراطی و حامی دیکتاتوریسم در نظام بین‌الملل] و تأثیرات اشاعه‌ای [تحولات منطقه‌ای] مواجه شده است که هر کدام سهمی در به تأخیر افتادن «تحکیم دموکراسی» داشته‌اند. در این پژوهش تلاش شده است تا مهم‌ترین مانع تأثیرگذار در فرایندموفقیت‌آمیز دموکراتیزاسیون و تحکیم دموکراسی در دوره حزب عدالت و توسعه طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۹ مورد بررسی قرار گیرد.

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال نهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۸

۱.ماهیت سیاسی ترکیبی- چند رگه‌ای

۱-۱. هویت تقدس‌یافته

در اصل هویت ساختار سیاسی حزب عدالت و توسعه در طول هویت ساختارهای حاکمیتی تاریخ ترکیه معنا پیدا می‌کند؛ هویتی که هاله‌ای از «قدسیت و برتریت» بر آن پوشانده شده است. به تعبیر دیگر، موضوع تقدس یا برتری بخشی به دولت (ساختار سیاسی) در ترکیه، تقریباً ریشه در ساختار اسلامی دولت عثمانی و نظام لائیک جمهوری ترکیه دارد. در دوره عثمانی این موضوع براساس مقام قدسی «خلافت و سلطنت» و در دوره جمهوریت، بر مبنای «کمالیسم و اصول آن» دنبال شد و به ساختار حاکم در برابر جامعه و مردم قدسیت و برتریت بخشید. این روند در دوره اسلام‌گرایان هم تداوم یافت؛ هرچند اسلام‌گرایان به رهبری حزب عدالت و توسعه در ظاهر و براساس تبلیغات حزبی و ایدئولوژیکی خود، نخست ادعای گذار از این تابوی دیرین و ضددموکراتیک کردند، اما دیری نپایید از این مفهوم کلیشه‌ای حمایت کرده و تبدیل به یک «دولت مقدس» شدند(چاها[1]، ۲۰۰۰: ۸-۷).بدین‌ترتیب، طبق گفتهٔ پوجی «دولت به تدریج از جامعه فاصله گرفت و مقدس‌ترین گشت» (پوجی[2]، ۲۰۰۵: ١٤).

1. Çaha
2. Poggi

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

در کل دولت در فرهنگ سیاسی تُرک، اتوریترِ حاکم بر شخص، مسلط، ظل‌الله، دستوردهنده، تمامیت‌خواه، برتر و متافیزیک‌گرا تعبیر و تفسیر می‌شود.

در اصل اسلام‌گرایان، در ابتدای کار به منظور دستیابی به قدرت و تصاحب آن، با اجرای برخی سیاست‌های دموکراتیک نظیر «توزیع برابر»، «بهره‌مندی مردم از تسهیلات و امکانات دولتی»، در عرصهٔ عمل از قدسیت و برتریت فاصله گرفتند، اما بر عکس در عرصهٔ اندیشه و تئوری، به اسمِ [علیهِ] جامعه/ملت، به دولت قدسیت و برتریت بخشیدند. در حقیقت، جریان راست‌گرا، کارکردهایی از قبیل تأیید غیرمستقیم ایدئولوژی حکومتی و نهادهای متعلق به جمهوریت و نیز مشروعیت‌بخشی به این ایدئولوژی را از طریق جلب رضایت اجتماعی ایفا کرد (مِرت[1]، ۲۰۰۷: ۱۰). به عبارت دیگر، گفتمان راست محافظه‌کار که از سال ۱۹۵۰ به قدرت سیاسی دست یافت، مؤید نهادی- سازمانی و فرهنگی- سیاسی ایدئولوژی رسمی تقدس‌یافتهٔ مدرن‌گرا بوده است. بنابراین، از آن تاریخ به بعد در ترکیه رقابت سیاسی نه در برابر رژیم بلکه در درون رژیم جریان یافته است.به همین دلیل است که برخی دیگر از نویسندگان و تحلیل‌گرایان، حزب عدالت و توسعه را «نسخه پست مدرنیتیِ» نظم سیاسی «کمالیستی- قیمومتی- غرب‌گرا- لائیست- اولیگارشیک» معرفی می‌کنند (بورا[2]، ۲۰۱۷: ٤٨٨).

بنابراین، «هویت تقدس‌یافته و برتری‌بخشِ ساختار سیاسی» به عنوان یکی از موانع روند دموکراتیزاسیون و تحکیم آن در دوره حاکمیتی حزب عدالت و توسعه به ویژه در دوره سوم یعنی سال‌های ۲۰۱۳ به بعد، محسوب می‌شود. تنها راه رهایی از این مانع، «گردش نخبگان»، به ویژه نخبگان و رهبران حکومتی است. امری که متأسفانه در نظام‌های سیاسی شبه اقتدارگرا و دموکراسی‌های تفویضی کمتر معمول است.

۲-۱. هویت مبهم، چندرگه و معلق

از دیگر موانع مهم تحکیم دموکراسی، هویت مبهم و معلق و چندرگه‌ای حزب عدالت و توسعه است.این حزب، رویکردهای متعددِ «اسلام‌گرا»، «راست محافظه‌کار»، «دموکرات»، «ملی‌گرا»، «لیبرال/ نئولیبرال» را به مثابهٔ هویت ایدئولوژیک خود معرفی می‌کند. بیشتر تحلیل‌گران بر این باورند که این تنوع هویتی چیزی جز یک «شگرد سیاسی» قابل تأمل نیست! به همین دلیل است که حزب عدالت و توسعه از یک طرف ارتباطش را با جریان

1. Mert
2. Bora

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

اسلام‌گرای «دیدگاه ملی» و علاقه‌مندی به حساسیت‌های دینی انکار نمی‌کند و از طرف دیگر، با برقراری ائتلاف‌های مختلف، درصدد خلق زبان، فرهنگ و آیین نوین است. در همین راستا، مفاهیم اسلام‌گرایی، محافظه‌کاری، ملی‌گرایی و لیبرالیزم، به عنوان رویکردهای متفاوت جریان راست ترکیه، در قواره و مقیاس‌های متغیرِ گفتمان حزب عدالت و توسعه شکل نوین یافتند. بنابراین، حزب عدالت و توسعه را نمی‌توان به مثابهٔ یک حزب «تمام‌عیار» اسلام‌گرا، حزب محافظه‌کار- دموکرات یا حزب ملی‌گرا تعریف کرد. در اصل، «سیاست هویتی سیال و مبتنی بر تغییرات اجتماعی» یکی از مؤلفه‌های بازتولید و حفظ قدرتِ حزب عدالت و توسعه محسوب می‌شود. سیاستی که به‌رغم کمک به حفظ و تداوم حکومت، زمینهٔ شکل‌گیری «استراتژی بقا» و در نتیجه «اقتدارگرایی» را فراهم کرده است.

در اصل انتخاب عنوان «دموکرات- محافظه‌کار»، یک تصمیم استراتژیک سیاسی جهت رهایی از تهدید پارانویای کمالیست‌ها و نظامیان بود. بنابراین، رهبران حزب عدالت و توسعه تلاش کردند اولاً: ارزش‌های اسلامی را در قالب سیاست انعکاس ندهند یا به تعبیر دیگر، اسلام‌گرایی را رفرنس سیاست‌هایش قرار ندهند؛ ثانیاً: اسلام را به عنوان کُد «فرهنگی - ارزشی» و نه سیاسیِ ملت ترکیه معرفی کنند.

همچنینمشکل اصلی حزب در بدو تأسیس، کسب «مشروعیت» بود. بنابراین، در سایه فراگرد ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ و متأثر از ریشه‌های اسلامی خود،به «دموکراسی محافظه‌کار» به عنوان هویت و به «موازین کپنهاک» به عنوان قطب‌نمایی سیاسی برای دستیابی به حکومت روی کرد و درصدد رفع نگرانی‌های موجود [نظامیان و کمالیست‌ها] برآمد. پوشش هویتی حزب، در عین حال راهی برای پیوند و تعامل با دیوان‌سالاری حکومتی، برخی روشنفکران و نیز قدرت‌هایی- به خصوص آمریکا و اروپا- است که نسبت به نیات واقعی آن مشکوک هستند (عزیزی،۱٤٦:۱۳۸۹-۱۳۵).

در همین راستا،احمد تاشگَتیرن، روزنامه‌نگار اسلام‌گرایِ برجسته ترکیه در سرمقاله «درونِ دموکراسی محافظه کار به حد کافی پُر نیست»، با ذکر این سؤال که «آیا حزب عدالت و توسعه در درونِ یک خودانتقادی خطی- فکری یا یک خود انتقادی اسلوبی/ روشی، متولد شد؟»، تأکید بر خودانتقادی اسلوبی- روشی دارد که براساس دو محور اصلی تغییر و شکل گرفت: ۱. محورها و کانون-های داخلی و ۲. محورها و کانون‌های بین‌المللی. ایشان معتقد

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

است که «مفهوم دموکراسی محافظه‌کار در بافت فراگرد ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ و نیز در فراگرد کسب مشروعیتی خارجی برای حزب عدالت و توسعه طراحی شد و درون‌مایهٔ آن تنها دستپخت رهبری حزب است» (تاشگتیرن[1]، ۲۰۰۵: ۵۷-۵۵).

همچنین ارول کایا، فرماندار پندیک می‌گوید: حزب عدالت و توسعه «سوپرمارکتی» است که مردم برای رفع نیازهایشان به آن رجوع می‌کنند و خود هویت خاصی ندارد. هویت دموکراسی محافظه‌کار که حزب مدعی آن است، لزوماً در تمام سیاست‌های آن بازتابی ندارد و بیش از آن، ابزاری هویتی برای کسب مشروعیت بیرونی است (عزیزی، ۱۳۸۹:۱٤۷).سلیمان صیفی اؤگؤن هم در کتاب شرق- غرب، ارتجاع‌گرایی چیست؟، ضمن تأکید بر مسئله‌دار بودن مفهوم «راست محافظه‌کار»، از ارتباطات تئوریک و ساختاری میان محافظه‌کاری ترکی و راستِ اوتوریتر و توتالیتر سخن می‌گوید (اؤگؤن[2]، ۱۹۹۸: ۸۰).

نیهات ارگون از مؤسسان حزب عدالت و توسعه در استان کوجاالِی و وزیر صنایع در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۲، معتقد است: «در اصل نیت ما لیبرال - محافظه‌کار بود؛ چرا که محافظه‌کاریِ صرف، کمی سفت و سخت است و در برابر تغییر مقاومت می‌کند؛ لیبرالیسم صرف هم بسیار آزاد است؛ این دو همدیگر را از رادیکالیسم و افراط و تفریط برحذر می‌کند، اما به دلیل شأنیت پایین اسم لیبرال، از اسم «دموکراسی محافظه‌کار» استفاده شد (بورا، ۲۰۱۷: ٤۰٦).هرچند در اصل پایه‌های گفتمان دموکراسی - محافظه‌کارانهٔ حزب عدالت و توسعه در ابعاد سیاسی و اقتصادی، بر قاعده «لیبرال» متکی است، اما بحث محافظه‌کاری تنها در بُعد فرهنگی و حیات سیاسی مسئولان حزب معنا پیدا می‌کند. به همین دلیل است که حزب عدالت و توسعه را با شعارهای محافظه‌کارانه و پوپولیستی، بهترین مکمل سیاسی برای بورژوازی مسلمان قلمداد می‌کنند (داراب‌زاده، موثقی، قربانی، ۱۳۹۲: ۱۷).

هر چند اردوغان در سال ۲۰۰٤ هنگام سخنرانی در مراسم معرفی فلسفه دموکراسی- محافظه‌کار حزب عدالت و توسعه، ضمن رد هرگونه «مهندسی اجتماعی» می‌گوید: «بخش مهمی از جامعه ترک خواهان مفهومی از مدرنیته است که نافی سنت نباشد، جهان‌گرایی آن طالب و پذیرای محلی‌گرایی باشد، عقلانیت آن از معنویت زندگی مغفول نماند و «تغییر» در آن از بنیادگرایی فارغ باشد؛ مفهوم دموکراسی محافظه‌کار به واقع پاسخی به این عطش

1. Taşgetiren
2. Öğün

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

است»(بورا، ۲۰۱۷: ٤٧٨).اما هنگامی که حزب عدالت و توسعه در روزهای ۱۱-۱۰ ژانویه سال ۲۰۰٤، با برگزاری همایشی بین‌المللی در استانبول، مفهوم دموکراسی محافظه‌کار را به بحث گذاشت، تقریباً همه متفکران از مفهوم دموکراسی محافظه‌کار به عنوان یک «ابداع» که فاقد ریشه اجتماعی و فکری خاص است، انتقاد کردند و بسیاری از لیبرال‌ها، امکان هم‌زیستی بین دموکراسی و محافظه‌کاری را نفی کردند (عزیزی، ۱۳۸۹: ۱۵۱).اخیراً (۳۰ ژانویه ۲۰۱۹) دانشگاه «کادیرحاص» ترکیه، نتایج نظرسنجی‌ای که در ۲٦ استان و با بیش از ۱۰۰۰ نفر مخاطب انجام داده، منتشر کرده که نکات جالبی در خصوص ارتباط دین‌گرایی- محافظه‌کاری و دموکراسی حاصل شده است: «در حالی که میزان جمعیت «دیندار» از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ از ١٤/٧ درصد به ۳۰/۹ درصد افزایش یافته است! میزان جمعیت محافظه‌کاران از ۳۹/۲ درصد در سال ۲۰۱۳ به ۱۳/۵ درصد در سال ۲۰۱۸ کاهش یافته است. این به این معناست که مردم دینداری را با محافظه‌کاری در یک ردیف قرار نمی‌دهند. درصد تضعیف دموکراسی هم از ۲۸ درصد در سال ۲۰۱٦ به ۳۳/۵ درصد افزایش یافته است و میزان اعتقاد مردم به دموکراتیک بودن کشور ترکیه از ۳۵/٦ درصد در سال ۲۰۱٦ به ۲۹/٤ درصد در سال ۲۰۱۸ کاهش یافته است. همچنین، میزان نگرش مردم به «اقتدارگرا شدن» حکومت ترکیه از ۳۹/۱ درصد در سال ۲۰۱٦ به۵۲/۲ درصد افزایش یافته است (نتایج پژوهش گرایش‌های سیاسی- اجتماعی ترکیه، ۲۰۱۸)[1].

رویکرد «ملی‌گرایی» حزب عدالت و توسعه هم همواره محل بحث بوده است. چرا که اراده ملی این حزب برخلاف روحیه و آداب سازگارانه و در عین حال فرصت‌طلبانه جریان راست مرکزی، بیشتر شبیه روحیات «ملیتاریستی» است. دلیل آن هم این است که رهبران این حزب همانند سلف خود [مکتب دیدگاه ملی] گرایش به سازماندهی سیاسی همه‌گیر و در عین حال اسلام‌گرا دارند و همواره درصدد رفع و نابودی هرگونه تهدید احتمالی می‌باشند. هنگامی که اردوغان به نقل از نجیب فاضل، نظریه‌پرداز اسلام‌گرای محافظه‌کار می‌گوید: «مسلمانان در وطن خود غریب هستند و همواره علیه آنها معامله‌های منفورانه‌ای انجام می‌شود، ما فرزندان این سرزمین هستیم و همواره زنده خواهیم ماند، اجازه نخواهیم داد کسانی که نگاه رئیس- مرئوسی به مردم دارند و «سلام علیکم»گویان را تمسخر می‌کنند،

1. Türkiye Sosyal- Siyasal Eğilimler Araştırması 2018, İstanbul, Kadir Has

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

آزادانه فعالیت کنند...»، در حقیقت اولتیماتوم یک «اراده ملی میلیتاریستی- پوپولیستی» را به صدا درآورد. همچنین، ایشان با بیان اینکه نباید برداشت نادرستی از «عقل جمعی و وجدان مشترک» ملت داشته باشیم، به اراده ملی خارج از تفاوت‌های دموکراتیک، یک مفهوم و معنای «متافیزیک محور» قائل می‌شود. به یک معنا حزب عدالت و توسعه از مفهوم «اراده ملی» به صورت یک آنتی‌تز «ضدیت با ملت» جهت مقابله با تهدیدهای قیمومت سیاسی- نظامی بهره برد. در اصل با تکیه بر همین ترفند بود که در سال ۲۰۰۷م، در مقابل کودتای احتمالی و اخطاریه‌های نظامیان ایستادگی و ارتش را منفعل کرد (بورا، ۲۰۱۷: ٤٧٩).شایان ذکر است حزب عدالت و توسعه همین رویه را در سال ۲۰۱٦ به صورت پراگماتیک‌تر به کار بست و توانست هواداران ملی‌گرای خود را به نبرد علیه کودتاگران تحریک و به خیابان‌ها بکشد و بدین ترتیب خود را به عنوان منجی ملت انعکاس دهد[1].

نظریه‌پردازان، پوپولیسم را از لحاظ رویکرد و اقدام،به چهار نوع تقسیم‌بندی می‌کنند: ۱. مخالف نظم نهادی موجود و نماینده عقل سلیم معرفی می‌شوند؛ ۲. به مثابه نماینده جریان سیاسی مخالف و منتقد رهبران سیاسی مرتجع و غیر مردمی تلقی می‌شوند؛ ۳. بهره‌مندی از روش و ابزارهای غیرمعمول جهت تحریک مردم علیه نظم سیاسی حاکم؛ ٤. استفاده از فنون قطبی‌سازی- دوست و دشمن و شخصی‌سازی و ساده‌سازی مسائل سیاسی (کایا[2]، ۲۰۱٦: ۸).رهبران حزب عدالت و توسعه از دو رویکرد اول در بازه زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ بهره بردند و از سال‌های ۲۰۱۰ به بعد از دو اقدام آخر به بیشترین نحو ممکن استفاده می‌کنند.

۱. در اصل این نحو از تلاش‌های اردوغان در جهت حفظ و تحکیم پایه‌های اجتماعی حزبش، اساساً [نخست]یک حرکت دفاعی بود. در این راستا، به طور گسترده‌ای از کلیشه‌های آزموده شده‌ای همچون «ایمان و سرزمین پدری در خطر هستند»، و «پرچم ما پاره و صدای اذان ما خاموش خواهد شد»، استفاده کرد که به لحاظ تاریخی منعکس‌کنندهٔ اعتماد به‌نفس شکننده ناسیونالیسم تُرک بود. به بیان دقیق‌تر، حزب عدالت و توسعه، نقطه تمرکز گفتمانش را از «انقلاب دموکراتیک» به «دومین جنگ رهایی‌بخش» تغییر داد. شالودهٔ این حرکت دفاعی، اسطورهٔ رهبر «ملی و اصیل» بود؛ کسی که شجاعانه در برابر توطئه‌گری قدرت‌ها و لابی‌های خارجی می‌ایستد. اما دیری نپایید که این تاکتیک دفاعی شکست خورد. بنابراین، راهبرد «جنگ و ترور» شروع شد. در حقیقت، جنگ داخلی و خارجی به اهرمی برای «رژیم‌سازی اقتدارگرایانه» بدل شد. به معنای دقیق کلمه، این رژیم به سرعت به سمت مدل «حزب غالبِ سرکوب‌گر» سوق یافت؛ مدلی متمرکز بر یک «قدرقدرت» و مبتنی بر یک «بی ثباتی تثبیت شده» بر اثر جنگ مداوم. کارل مارکس گفته بود که ناپلئون سوم با راه انداختن جنگ‌های دائمی در خارج از کشور، مبارزهٔ طبقاتی را مهار کرد. به همین سیاق، اردوغان نیز نخست مبارزه طبقاتی را به مدد «جنگ‌های فرهنگی» تحریف کرد و سپس در پی آن برآمد که قدرت خویش را از راه جنگ‌های نظامی افزایش دهد. به تعبیر بهتر، «فرمانروایی اردوغان کم کم شبیه یک رژیم بناپارتیستی شده است که تروتسکی در مورد آن می‌گوید: «همان قدر حکومت قداره است که قاضیِ ملت محسوب می‌شود». (بنگرید به نرگس ایمانی، بناپارتیسم شکننده ترکیه، ۲۰۱۷)

2. Kaya

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

گفتنی است که موفیت[1]، سه ویژگی اساسی برای پوپولیزم کنونی برمی‌شمرد: ۱. دعوت از مردم جهت مخالفت با نخبگان؛ ۲. رفتارهای خشونت‌آمیز و بی‌قاعده و ۳. بحران، انحطاط یا تهدید (همان:۱۱). تقریباً از سال‌های ۲۰۱۳ به بعد، رهبران حزب عدالت و توسعه به ویژه شخص اردوغان از سه ویژگی مذکور بیشترین بهره را بردند. اخیراً اردوغان در یک سخنرانی در جمع هواداران با بیان اینکه: «این پروفسور موروفسورها کیستند و چرا این همه لاف‌های بی‌قاعده و بی‌منطق می‌زنند!»، درصدد تضعیف مشروعیت نخبگان و روشنفکران سیاسی در نزد مردم بود[2]!

فوتی بنلی‌سوی در مقاله «۱۸ برومرِ اردوغان» (۲۰۱۸/۰۷/۱۱)، با طرح این سؤال که «۱۸ برومر اردوغان ۹ جولای است یا ۲٤ ژوئن، یا ١٦ آوریل»؟ می‌نویسد: «شاید تاریخ دیگری هم بر موارد مذکور اضافه کرد. اما آنچه قطعی است از زمان اعلام توقف سیستم پارلمانی و شروع بحران نهادی در ترکیه، یک نظم اتوکراسی که یا از طریق رضایت پوپولیستی یا از طریق وساطت انتخاباتی، مشروعیت کسب می‌کند، ظهور آشکار یافته است. به تعبیر دیگر، اردوغان همانند لوئیس بناپارت – که در تاریخ ۲ دسامبر ۱۸۵۱ علیه خویش یک کودتا ساخت و سپس با برقراری یک رفراندم به دیکتاتوری رسید– بعد از کودتای ساختگی در تاریخ ۱۵ جولای ۲۰۱٦، با برگزاری یک رفراندم در تاریخ ١٦ آوریل ۲۰۱۷م، اقتدارگرایی مطلق خود را تثبیت کرد. در نتیجه برومرِاردوغان هم با تضعیف قدرت سیاسی طبقه متوسط جامعه ترکیه، درصدد جلب اجباری رضایت آنها عمل کرد. در حقیقت مهندسی و معماریِ جدیدِ صنفی و طبقاتی، لازمه نظم سیاسی جدید با عنوان «ریاستی» بود. این طبقات ضعیف به دلیل همین ضعف و تحدید قدرت، «توانایی نمایندگی بر خود ندارند و بنابراین، به نمایندگی از سوی دیگران محکوم‌اند و از لحاظ سیاسی وابسته باقی می‌مانند»(بنلیسوی[3]، ۲۰۱۸: ۲–۱).

در بحث اسلامی و دینداری این حزب در عرصه نظری و نظام‌نامه‌ای معتقد به نقش چندوجهی دین در سپهر عمومی است و آن را مأخذی برای توجیه سیاست‌هایی خاص در این عرصه نمی‌داند و با معرفی خود به عنوان هوادار «دموکراسی محافظه‌کار» انتساب

1. Moffit

۲. پروفسور مورد اشاره اردوغان، «عثمان آلتوغ» بود که با انتقاد از سیاست‌های متناقض و مداخله‌جویانه اردوغان در عرصه اقتصاد ترکیه، به محفوظ ماندن عرصه سیاست بازار آزاد تأکید کرد. (2019/02/odatv, 15)

3. Benlisoy

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

هرگونه برچسب اسلامی به خود، یا صرف مسلمان بودن خود را نفی می‌کند. همچنین، حزب به منظور غلبه بر مشکل مشروعیت و ایمن ساختن خویش، خود را به عنوان وارث عدنان مندرسو تورگوت اوزالمعرفی می‌کند و از طریق طرح ریشه‌های جدید تاریخی، قصد فاصله گرفتن از ریشه‌های اسلامی خود و نیز نجم‌الدین اربکانرا دارد. به تعبیر دیگر، حزب به خصوص اردوغان، در جست‌وجوی ریشه‌های خود در حزب دموکرات مندرس، با هدف غلبه بر هراس از اسلام‌گرایی در ترکیه و از طریق توصیف خود به عنوان حزبی راست میانه با پیوندهای مستحکم با میراث مندرس و اوزال، می‌کوشد از میراث اربکانفاصله بگیرد (عزیزی، ۱۳۸۹: ۱٤۸-۱٤۷).

در مجموع حزب عدالت و توسعه در لفافه‌ای از تناقض‌ها پیچیده شده است. در عین حال که دموکراسی محافظه‌کار را هویت خود می‌داند، درصدد «اصلاح» نظام سیاسی و مناسبات جامعه- حکومت در ترکیه است. در حالی که در درون چندان به دموکراسی میدان نمی‌دهد، پرچم مشارکت سیاسی و کثرت‌گرایی را بالا می‌برد و نیز در حالی که خود مروج مرکزمداری در ساختار و فرایند تصمیم‌سازی حزب است، بر مرکزگریزی و حکومت محلی به عنوان راه حل مشکلات دیوان‌سالاری از نفس‌افتاده ترکیه تأکید دارد. حزب تقریباً همه مجاری پایین به بالا را مسدود کرده و به یاری مشاورانی حکومت می‌کند که همگی مرد هستند (عزیزی، ۱۳۸۹: ۱۵۹). در نهایت، براساس دیدگاه حزب عدالت و توسعه‌ای‌ها، این حزب نه سیاست مبتنی بر هویت، بلکه سیاست «معطوف به هویت» را پیگیری می‌کند؛ یعنی همواره در پی یافتن و تکمیل هویت است! (داغی ، ۲۰۰٤: ۱۲). اما مسئله اینجاست که هویتی که قرار باشد در طول زمان تکمیل شود، به دلیل ظهور متغیرهای متعدد، متنوع و متضاد، همواره ناقص باقی می‌ماند و نتیجه آن سیالیت دائمی در عرصه ایدئولوژیک و سیاست است که خود یکی از موانع مهم تحکیم دموکراسی محسوب می‌شود.

۲.خصوصیات ضددموکراتیک و فراقانونیرهبری

خوان لینز در کتاب شکست رژیم‌های دموکراتیک»، چهار روش رفتاری جهت شناخت دیکتاتور معرفی می‌کند: اگر یک سیاست‌مدار ۱. با رفتار یا اظهاراتش قوانین و اصول دموکراتیک، بازی حکومتی را نمی‌پذیرد، ۲. مشروعیت رقبای خود را نمی‌پذیرد، ۳. نسبت به

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

سرکوب و فشار چشم‌پوشی می‌کند یا برای انجام آن به نیروهای سرکوب اختیار و جسارت می‌بخشد و ٤. در خصوص محدود کردن آزادی‌های بلوک مخالف به ویژه رسانه‌های ارتباطی منسوب به جریان‌های رقیب، تمایل نشان می‌دهد، باید نگران و حساس باشیم. اگر یکی از این چهار محور در یک سیاست‌مدار مشاهده شود، برای مقابله با آن یا دوری از آن دلیل کافی می‌باشد! (لویتسکی و زیبلات ، ۲۰۱۸: ۳۳-۳۲). در جدول پایین این چهار شاخص با ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی اردوغان مطابقت داده شده است:

چهار شاخص اصلی رفتار دیکتاتورمآبانه	
۱. عدم پذیرش قوانین و اصول دموکراتیک	– آیا قانون اساسی را رد می کند یا مقابله با آن را بر زبان می‌آورند؟ اردوغان طی چند دوره، قانون اساسی ترکیه را مورد بازنگری و دست‌کاری قرار دادند که در هر دوره در عین توجه سطحی به افزایش محدوده آزادی‌های مدنی و سیاسی [در دوره‌های اول حکومت]، درصدد تغییر بندهایی از قانون اساسی بودند که موجبات تضعیف اختیارات نظامیان و افزایش قدرت خویش را فراهم کند. تغییر ۱۸ بند از قانون اساسی در تاریخ ١٦ آوریل ۲۰۱۷، نمونه بارز این ادعاست. برخی موارد مهم آن تغییر بدین ترتیب هستند: – نظام پارلمانی به ریاستی تغییر یافت. پست نخست‌وزیری حذف و به جای آن پست‌های معاونان رئیس‌جمهور اضافه شد. – کابینه دیگر به صورت رسمی به پارلمان پاسخگو نخواهد بود. رئیس‌جمهور اختیار منحل کردن مجلس ملی ترکیه را خواهد داشت؛ حق پارلمان برای استیضاح رئیس‌جمهور یا کابینه او لغو شد. – انتصاب یا اخراج وزیران کابینه و عزل و نصب مدیران ارشد کشوری در اختیار رئیس‌جمهور است. رئیس‌جمهور می‌تواند همزمان رئیس حزب نیز باشد؛ اختیار اعلام حالت فوق‌العاده در کشور از پارلمان به رئیس‌جمهور اعطا شد. – دادگاه‌های نظامی لغو و نامزدی نظامیان در انتخابات مجلس ممنوع شد. – به طور کلی تغییرات قانون اساسی سال ۲۰۱۷م، موجب افزایش اختیارات و حوزه نفوذ رئیس–جمهور شده و این امر موجب متزلزل شدن مرزهای تفکیک قوا در سیستم سیاسی جدید ترکیه می شود. (مجیدی، عزیزی هشجین، ۱۳۹۷: ۱) – آیا در اظهاراتش از تدابیر غیردموکرتیک نظیر ابطال انتخابات، مخالفت با قانون اساسی، ممنوعیت فعالیت برخی نهادها و سازمان‌ها، محدودیت حقوق و اختیارات نهادهای مدنی–سیاسی، بهره می‌گیرند؟ رهبران حزب عدالت و توسعه به ویژه شخص اردوغان از موارد فوق به ویژه ابطال یا بی‌توجهی به نتایج انتخابات و برگزاری انتخابات زودهنگام [نظیر انتخابات پارلمانی ۷ ژوئن ۲۰۱۵ و انتخابات زودهنگام ۱ نوامبر ۲۰۱۵، ابطال نتایج انتخابات شهرداری ۳۱ مارس ۲۰۱۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

	استانبول] و همچنین حذف مصونیت نمایندگان سیاسی حزب دموکراتیک خلق‌ها و دستگیری رهبران سیاسی این حزب، بهره‌برداری کرده‌اند. همچنین اردوغان به همراه فتح‌الله گولن [قبل از شروع اختلافات] طرح‌های خائنانه و ضددموکراتیک زیادی نظیر «ارگنه کن»، «بالیوز» و غیره برای تخریب و اعمال محدودیت علیه بلوک اپوزیسیون انجام دادند. موقعیت مسلط و مستحکم عدالت و توسعه در ترکیه، اخیراً اتهاماتی نظیر برقراری «وصایت/ قیمومت مدنی» یا «دیکتاتوری غیرنظامی» را متوجه این حزب ساخته است. تلاش‌های حزب عدالت و توسعه برای غیرنظامی‌سازی جامعه در قالب محاکمه‌های «ارگنه کن» به معنای واقعی کلمه با دموکراتیزه کردن جامعه مغایرت دارد. عدم افزایش محدوده آزادی‌های مربوط به جلوگیری از مداخله ارتش در سیاست، حصر بعضی از نهادها و فقط اکتفا کردن به جلوگیری از مداخله ارتش در سیاست، پیوند حزب عدالت و توسعه با دموکراسی را مورد تردید قرار داده است. – آیا به مواردی نظیر کودتای نظامی، قیام‌های پرتنش و اعتراضات جمعی تأکید می‌کنند یا بهره–برداری از آنها را مورد حمایت قرار می‌دهند؟ طبق گفته بسیاری از کارشناسان، کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱٦ در حقیقت کودتایی برساخته بود که از طرف اردوغان برای تسویه مخالفان به ویژه جریان فتح‌الله گولن برنامه‌ریزی و عملیاتی شد. – آیا نتایج انتخابات دمکراتیک و سلامت را انکار می‌کند و مشروعیت انتخابات را نمی‌پذیرند؟ نمونه بارز آن رد نتایج انتخابات ۷ ژوئن ۲۰۱۵ و اعلام برگزاری انتخابات زودهنگام در تاریخ ۱ نوامبر ۲۰۱۵ و ابطال نتایج انتخابات شهرداری ۳۱ مارس ۲۰۱۹ استانبول.
۲. عدم پذیرش مشروعیت رقبای سیاسی	– آیا رقیبان خود را به عنوان خرابکار یا به عنوان قانون‌شکن معرفی می‌کنند؟ اردوغان همواره رهبران جریان‌های مخالف به ویژه کمال قلیچدار اغلو، رهبر حزب جمهوری‌خواه خلق را به قانون‌شکنی متهم کرده است. – آیا رقیبان خود را به عنوان تهدید امنیت ملی یا تهدید قانون اساسی تلقی می‌کنند؟ اردوغان به طور کلی در هر بحرانی، هرگونه تجلی مخالفت را به مسئله «امنیت ملی»، «حاکمیت قانون» و «تفکیک قوا» مرتبط می‌کند. به عنوان مثال، هنگامی که دادگاه قانون اساسی ممنوعیت حکومت بر توئیتر را به عنوان دخالت جدی در آزادی بیان برداشت، اردوغان این تصمیم را مغایر منافع ملی دانست و با گفتن اینکه حکومت از حکم دادگاه تبعیت می‌کند و این به معنی احترام برای آن نیست، واکنش نشان داد[1] . در اوایل سال ۲۰۱٤ وقتی که دادگاه اداری پنجم آنکارا به بازرسی از ساخت کاخ ریاست جمهوری دستور داد، اردوغان با خشم گفت: «اگر آنها قدرت دارند، به آنها اجازه دهید آن را ویران کنند»[2]. در انتخابات محلی مارس ۲۰۱٤م، هیأت

1. Radikal, April 4, 2014
2. Denizli, 2014

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

	عالی انتخابات یک تبلیغ از حزب عدالت و توسعه را به دلیل استفاده از پرچم ترکیه که طبق قانون انتخابات ممنوع شده متوقف کرد؛ اما با اعلام اردوغان «ما ممنوعیت را ممنوع خواهیم کرد»، آگهی به پخش خود ادامه داد. – آیا رقیبان خود را به‌رغم هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای، به عنوان مجرمان قانون‌شکنی که نباید حق ورود به عرصه سیاسی داشته باشند، شناسایی می‌کنند؟ به عنوان مثال اردوغان، صلاح‌الدین دمیرتاش، رهبر حزب کُردی را به دلیل همکاری با حزب تروریستی پ.ک.ک، محبوس کرده و از فعالیت سیاسی منع نموده است. – آیا رقیبان خود را به داشتن ارتباطات مخفیانه با دیگر کشورها یا انجام عمل جاسوسی متهم می‌کنند؟ اردوغان همواره رقیبان لیبرال و لائیک را به عنوان «خادمین امپریالیست» و چپ‌ها و کُردها را به مثابه «حامیان تروریست» معرفی می‌کند.
۳. بی‌توجهی به سرکوب‌ها و حمایت از آن اعمال آن	– آیا با برخی گروه‌ها و باندهای غیرقانونی شبه‌نظامی، نیروهای مسلح، ژنرال‌ها یا دیگر گروه‌های نظامی ارتباط دارند؟ ارتباط دولت ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه با گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی داعش و غیره، همواره محل بحث بوده است. افشاگری روزنامه جمهوریت ترکیه درخصوص ارسال تسلیحات نظامی به داعش نمونه بارز این ادعاست. همچنین ارتباطات مخفیانهٔ دولت ترکیه با سازمان اطلاعات(میت) برای سرکوب رهبران سیاسی مخالف، همواره مورد انتقاد بوده است. – آیا از گروه‌های غیرقانونی مسلح به منظور سرکوب رقیبان حمایت می‌کنند یا به آنها جسارت می‌بخشند؟ بعد از کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶، این مورد در برخی موارد دیده شده است؛ افراد مسلح غیرنظامی (لباس شخصی‌ها) به رهبران و شهروندان مخالف حمله می‌کنند و آنها را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند. – آیا از رخدادهای سرکوب‌گرایانه یا شدت‌آمیزی که در گذشته یا در دیگر کشورها اتفاق می‌–افتند، حمایت می‌کنند یا محکوم نمی‌کنند؟ در این مورد رهبران حزب عدالت و توسعه تقریباً مثل همه رهبران سیاسی کشورهای دیگر، براساس منافع ملی، منطقه و بین‌المللی عمل کرده‌اند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

٤. اعمال محدودیت علیه آزادی‌های بلوک اپوزیسیون و رسانه‌های ارتباطی	– آیا از تصویب قوانینی که محدوده آزادی‌های بلوک اپوزیسیون و رسانه‌های ارتباطی را کوچک‌تر می‌کند، حمایت می‌کنند؟ اصرار اردوغان در تصویب قرارنامه‌های حکومتی و اعلام وضعیت اضطراری نمونه بارز این مورد است. – آیا منتقدان سیاسی یا جامعه مدنی را به مجازات تهدید می‌کنند؟ این مورد به کرات در ترکیه عملیاتی می‌شود. طوری که در چند سال اخیر ترکیه با ۱۷۵ روزنامه–نگار زندانی به «زندان تاریک اروپا» مشهور شده است. وضعیت آزادی رسانه در ترکیه یکی از نگران‌کننده‌ترین نمونه‌ها در گزارش رده‌بندی آزادی مطبوعات سال ۲۰۱۸ است. ترکیه با از دست دادن ٦ رتبه نسبت به سال پیش در رده ۱۵۷ قرارگرفته است که نسبت به دوازده سال پیش ۵۸ رتبه افت داشته است. در اصل ترکیه از سال ۲۰۱٤، از گروه کشورهای «نسبتاً آزاد» به گروه کشورهای «آزادی وجود ندارد»، افول کرده است. در ترکیه قانونی وجود دارد که به رئیس‌جمهور اجازه می‌دهد تا کسانی را که علیه او حرف زده‌اند یا به او توهین کرده‌اند، به دادگاه بکشد. اردوغان در طول سال‌های حاکمیتش، بیش از ۱۸۰۰ بار از این قانون استفاده کرده است. – آیا از تدابیری امنیتی سرکوب‌گرایانه دیگر کشورها حمایت به عمل می‌آورند؟ رهبران حزب عدات و توسعه در این مورد هم اگر مورد در ردیف کشورهای هم‌پیمان باشد، در قبال آن معمولاً یا سکوت می‌کنند یا حمایت به عمل می‌آورند.

در ذیل برخی از عنصرهای اصلی شخصیت اردوغان بررسی می‌شود تا شباهت و قرابت میان ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی اردوغان و رهبران اقتدارگرا بیشتر مبین گردد:

۱. شخصیت کاریزماتیک و ضدنهادی

به طور کلی در سیاست‌ورزی ترکیه، شخصیت‌ها همواره اهمیتی فراتر از برنامه‌ها و نهادهای حزبی دارند. از این‌رو مناسبات شخصی در درون حزب عدالت و توسعه بر باورهای اعتقادی تقدم یافته‌اند. طوری که گروه‌های غیررسمی چون «خوشه‌های زنبور پیرامون یک ملکه هستند. چنانچه ملکه صدمه ببیند، زنبورها گرد ملکه دیگری خوشه می‌زنند». در احزاب راست میانه نیز، «رهبری» همواره نقشی اساسی‌تر از «ایدئولوژی» ایفا کرده است. نقش دمیرل و اربکان تا حد زیادی به «زنبور ملکه» شبیه بوده است. زنبور ملکه کنونی «اردوغان» است. در درون حزب افراد برای تقرب به حلقه محارم وی سرسختانه با یکدیگر رقابت دارند و همه اطرافیان مطیع آن هستند. طوری که برخی معتقدند چهره منتقدی پیرامون اردوغان

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

وجود ندارد. در حقیقت، یکی از مهم‌ترین نقاط قوت حزب در عمل سد راه دموکراتیک بودن یا دموکراتیک شدن آن بوده است. شخصیت کاریزماتیک اردوغان یکی از موانع اصلی نهادینه‌سازی هویت حزب و دموکراتیزه شدن می‌باشد(عزیزی، ۱۳۸۹: ۱۵۹-۱۵۸). یاسین اوکتای ویژگی «کاریزما»ی اردوغان را با بهره‌گیری از مفهوم «عصبیت» ابن خلدون چنین معنی می‌کند: «هیجان‌دهنده به سازمان‌ها و جریانات سیاسی، دفن زنده زنده آنها به درون شخصیت کاریزماتیک و ضد بروکراسی مدرن و تمثیل‌گر انرژی انباشته شده پر از احساس و عقلانیت که شروط بحران‌های عمیق و سنگین می‌باشند»(اوکتای و اؤزنسل[1]، ۲۰۰٤: ۷۸۲).

۲. زبان خشم و عصبانیت

اردوغان در سال ۲۰۰۸م گفته بود: «خشم و عصبانیت یکی از هنر (روش)های خطابت است». در حقیقت، زبان خشم و عصبانیت به ویژه بعد از واقعه پارک گزی به علامت متمایز ایشان مبدل گشت. این خطابت خشمانه، به مرور زمان افراد و گروه‌های مشخص را هدف قرار داد که در نتیجه نه تنها آثار مخرب روانی به بار آورد، بلکه به عنوان یک ابزار استراتژیک قطبی‌شدگی، کارکرد استراتژیک داشت. طوری که زبان خشونت‌آمیز اردوغان از طرف مخاطبان و حامیان خود به عنوان «طریق مقاومت و مبارزه» معنا و تفسیر شد. همچنین این تفسیر خشونت‌آمیز، برخی از نشانه‌هایش را از سنت و آیین ایدئولوژی اسلامی «در برابر کافر همانند «حرف الف» راست بایست» (برگرفته از سخنان نجیب فاضل) نشأت می‌گیرد (اونال منگوش‌اغلو[2]، ۲۰۱۵: ١٤).اردوغان البته از این ابزار به عنوان یک سیستم ارتباطی «پلبیسیتی» هم استفاده می‌کند. بنابراین، این نوع زبان نه در نشست‌ها و جلسات تخصصی و مهم، بلکه در گردهمایی‌های مردمی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حقیقت،اردوغان در تجمعات مردمی بسته به بیان «آری» و «خیر» مخاطبان خود، سیاست‌ورزی می‌کند. به عنوان مثال اردوغان همواره تأکید می‌کند که موضوعات مهمی مانند «عضویت یا عدم عضویت در اتحادیه اروپا»، «بازگشت یا عدم بازگشت حکم اعدام»، «تغییر قانون اساسی» و غیره را از طریق برگزاری رفراندم که در اصل نمایش یک سیاست پلبیسیت است، تعیین و تکلیف خواهد کرد.

1. Oktay&Özensel
2. Önal Mengüşoğlu

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

۳. کیش شخصیتی

اردوغان تقریباً از سال ۲۰۱۰ با اشاره و دفاع از نظام جمهوری، از «حاکمیت واحد ملت – دولت» سخن می‌گفت که در رأس آن یک رهبر–رئیس قدرتمند قرار دارد. در این میان گاهی از یک نوع «جمهوری ترک» سخن گفته می‌شد. به این معنا که ملت ترکیه همواره خواهان حکومت‌رانی یک «شخص قدرتمند» بر سرزمین‌شان هستند! این در حالی است که همهٔ آنها تدابیری بود که تلاش داشت تا برخی موانع موجود در برابر اختیارات رئیس‌جمهور را خنثی کند. در اصل، بعد از سال ۲۰۱۱، اردوغان از طرف حامیان و دلباختگانش به یک «کیش شخصیتی» مبدل گشت. طوری که عبارات «اوستا» و «رئیس» مرتب در خصوص شخص اردوغان مورد استفاده قرار گرفت؛ حتیدر سال ۲۰۱٦ سریالی با عنوان «رئیس» جهت معرفی اردوغان ساخته شد. بدون شک، این دوره کیش‌زایی، هم از علاقه و ترغیب شخص اردوغان در استفادهٔ مطلق از اختیارات و هم از تلاش‌هایی که برای بهره‌مندی از جاذبه و قدرت اقتدار و اقبال حاکم بر شخص اردوغان انجام می‌شد، نشأت می‌گرفت. بعضی از مسئولان حزب و برخی از نویسندگان، عبارات و بیاناتی نظیر «خداوند تعالی، همه وصف‌ها و مدح‌ها را در نزد ایشان جمع کرده است». «دست (همیاری) حق تعالی در کنار ایشان است»، «سایه خداوند در زمین (ظل‌الله) می‌باشد»، «همانند پیامبر دوم»، «لمس و حس کردن ایشان همانند عبادت است»، در خصوص اردوغان به کار می‌گیرند که شبیه این بیانات بسیار است! (بورا، ۲۰۱۷: ۵۰۳–۵۰٤).

۴. ضد شورا و گفت‌وگو

پیام فرستاده شدهٔ اردوغان به کنگره (می ۲۰۱٦) از طرف حاضران، در حالت قیام (ایستاده) شنیده شد. آدم چایلاک یکی از نویسندگان اسلام‌گرا، این نوع تملق و چاپلوسی را نشانگر «مقتدر شدن اقتدار سیاسی» قلمداد می‌کند. به اعتقاد چایلاک، ظهور رژیم «مونارشی مقدس» و پذیرش آن در قالب اسلام، به سنت و تاریخ اسلام متکی است. ایشان همانند دیگر نویسندگان اسلام‌گرای منتقد، معتقد است که حکومت اسلام‌گرای کنونی ترکیه، شبیه وضعیت حکومت امویان است که در آن ضمن بی اعتبار شدن اصل شورا، میان ساختار سیاسی و عقیده– ایمان شباهت ایجاد شده است. در حقیقت، رهبران حزب عدالت و توسعه، مدار اقتدارگرایانه دولت

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

اسلام‌گرای ترکیه را از یک طرف متأثر از مفهوم «اقتدار/ قدرتمندی» افسانه‌ای دولت ترک می‌دانند و از طرف دیگر، ساختارِ سازگار با تئوری تقدس‌یافتهٔ ملت- دولت کمالیسم عنوان می‌کنند (چایلاک[1]، ۲۰۱۶: ۳۶-۲۷).

اردوغان بعد از اینکه به عنوان رئیس‌جمهور ترکیه انتخاب شد (۲۰۱۸)، صدها پرونده دادگاهی علیه اهانت-کنندگان تشکیل داد؛ طوری که عبارت «نفرت از اردوغان» به یک «مدخل» جرم مبدل گشت. در حالی که نجدت سزر، دهمین رئیس‌جمهور ترکیه کهیک کمالیست سکولار بود وگرایش لیبرال داشت، تنها ۲۶ بار از این قانون استفاده کرد و عبدالله گل یازدهمین رئیس‌جمهور ترکیه و عضو حزب عدالت و توسعه، ۱۳۹ بار از این قانون بهره برد، اما اردوغان دوازدهمین رئیس‌جمهور ترکیه، بیش از ۱۸۰۰ بار از این قانون استفاده کرده است (چاغاپتای، ۱۳۹۷: ۲۲۵). در همین راستا، امره کونگار نویسنده روزنامه جمهوریت، در مقاله خود با عنوان «جرم حقارت به رئیس‌جمهور حذف گردد» (۱۷ فوریه ۲۰۱۹)، ضمن تأکید بر حذف ماده ۲۹۹ قانون اساسی (که جرم‌های مربوط به حقارت را بر می-شمرد)، می‌نویسد: «در یک رژیم دموکراتیک، در حالی که رئیس‌جمهور از همه افراد و رهبران سیاسی و حزبی قدرتمند است و از اختیارات زیادی برخوردار می‌باشد، وجود مفاد قانونی که ایشان را بیشتر از دیگران محافظت و مراقبت می‌کند، با روح و لفظ دموکراسی مغایر است». این نویسنده همچنین پیشنهاد می‌کند که طبق توصیه کمیسیون ونیز در صورتی که رئیس‌جمهور اجازهٔ حذف ماده ۲۹۹ را ندهد، تمامی احزاب مجلس باید نسبت به حذف این ماده اقدام کنندیا اینکه قانون اساسی را بار دیگر مورد بازبینی قرار دهند[2].

۳. ساختار حزبی متصلب و اولیگارشیک

هر چند طبق نظر روستو، ترکیه در بین کشورهای خاورمیانه دارای غنی‌ترین سنت حزبی بوده (فاضلی، ۱۳۸۹: ۲۹۸) و هانتینگتون نیز تجربهٔ نهادینه شدن برخی احزاب ترکیه نظیر جمهوری‌خواه خلق و دموکرات را مثبت ارزیابی می‌کند (هانتینگتون،۱۳۷۰: ۳۷۷)، اما هنوز ساختار متصلب و اولیگارشیک آن پایدار است. در این حزب، تقریباً همانند دیگر احزاب سیاسی ترکیه، رهبر مرکزی حزب، نفوذ برتری درون همه سازمان اعمال می‌کند؛ اگرچه

1. Çaylak
2. Cumhuriyet, 17.02. 2019

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

اساسنامه حزب عدالت و توسعه سه روش انتخاب کاندیدا را ارائه می‌کند: مقدماتی(انتخاب)، تحقیق سازمانی و تحقیق مرکزی.وقتی کمیته مرکزی حزب، نظرات سازمان‌های محلی حزب را درباره کاندیداها می‌پرسد، تحقیق سازمانی[1] اتفاق می‌افتد، اما این هنوز مرکز است که تصمیم نهایی را می‌گیرد. همچنین، تحقیق مرکزی[2] کمتر به روی نظرات شاخه‌های محلی، گشوده است. علاوه بر این، کمیته مرکزی است که تصمیم می‌گیرد که کدام روش انتخاب کاندیدا باید در مناطق و استان‌ها استفاده شود.

به عنوان مثال حزب عدالت و توسعه در انتخابات محلی ۲۰۰۷م، کاندیداهایش را به طور عمده از طریق روش‌های سازمانی و تحقیق مرکزی تعیین کرد. البته در مقایسه با استراتژی نخبگان حزب جمهوری‌خواه خلق،یعنی اجبار برای تسلط بر تصمیمات نخبگان حزب عدالت و توسعه احتیاجی به سرکوب هیچ صدایی نداشتند؛ زیرا اعضای حزب در خصوص اقتدارگرایی بی تفاوت بودند.

در اصل برخی محرک‌های مثبت(مادی، همبستگی، اهداف) که به اعضای محلی حزب داده می‌شود، به تحکیم اقتدارگرایی در حزب کمک می‌کند. یک دلیل محکم برای اینکه چرا در مورد حزب عدالت و توسعه این محرک‌ها با موفقیت عمل کرد، دسترسی حزب به منابع مهم قدرت در مقایسه با دیگر احزاب است. با قبضهٔ دولت به عنوان حزب واحد، در دو انتخابات سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۷، حزب عدالت و توسعه خیلی از موقعیت‌های اداری عمومی را کنترل کرد. حزب همچنین بالاترین سهم مالی از یارانه‌های دولت را به تعداد بالای آرای دریافت شده در این انتخابات به دست آورد. با تخصیص ۳۰ درصد از بودجهٔ حزب به سازمان‌های محلی حزب و بنابراین ایجاد محرک مادی بزرگ برای رؤسای محلی حزب، اقتدارگرایی در حزب عدالت و توسعه تحکیم شد. همان‌طور که برای دیگر اعضای محلی حزب محرک‌های همبستگی و اهداف، برای وفاداری به رهبر حزب کافی هستند، اما نظرات کاندیدها در مورد فرایندانتخاب کاندیداها، بینشی مهم در این مورد فراهم می‌کند. برای مثال یک عضو منطقه‌ای حزب اظهار داشت که «البته رهبر حزبمان باید وزنی در فرایند انتخاب کاندیدا داشته باشد.ما ممکن بود برای حزب کار نمی‌کردیم بدون اینکه به تصمیمات رهبرمان معتقد باشیم. من تا زمانِ حزب عدالت و توسعه به هیچ حزبی نپیوسته بودم. رهبرمان و چشم–

1. Temayül Yoklaması
2. Merkez Yoklaması

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

اندازش، دلایلی برای چرایی اینجابودن ما است» (آیان[1]، ۲۰۱۰: ۱۳-۱۲).اظهارات این نمایندهٔ حزب عدالت و توسعه به این معناست که طبق گفتهٔ روبرت میخلز در کتاب جامعه‌شناسی احزاب سیاسی، کارآمدترین عنوانِ رؤسا (به عنوان مثال اردوغان) در گریزناپذیر بودن آنها نهفته است.اردوغان برای اعضا و طرفداران حزب عدالت و توسعه حکم کسی را دارد که وجودش اجتناب‌ناپذیر است و بدین ترتیب، اکثر قدرتمندان و رهبران جریان‌های سیاسی را به اطاعت از خود واداشته است. طوری که حتی از منظر برخی منتقدان، اردوغان یک «شرّ ضروری» می‌باشد که حضورش بر نبودش می‌چربد (نقیب‌زاده، ۱۳۹۲: ۵۹-۵۸).

با این حال، برخی دیگر از نمایندگان این حزب، نقدهایی بر آن وارد می‌کنند. به عنوان مثال برخی از نمایندگان از این شکایت دارند که «در پارلمان برای آنان کار دیگری جزء بالا بردن دست برای رأی دادن به لوایح دولت وجود ندارد»! یکی دیگر از نمایندگان شاخص نیز گفته است: «تنها عضوی از بدنمان که در پارلمان از آن استفاده می‌کنیم، دستمان است»! توران چومِز، از نمایندگان عضو حزب عدالت و توسعه، با اظهار اینکه «ما سربازان عروسکی نیستیم، اما از ما توقع دارند که دست‌هایمان را برای هر لایحه‌ای که دولت می‌فرستد، بالا ببریم»! از حزب به خاطر فقدان دموکراسی درون حزبی انتقاد کرده است. ایشان با طرح صدها پرسش از دولت، مدعی بود که برخی از پروژه‌های خصوصی‌سازی با پارتی بازی و تبعیض اجرا می‌شود و کمال اوناکتال، وزیر دارایی وقت که مناسبات بسیار نزدیک با اردوغان دارد، در مواردی نفع شخصی خود را در نظر داشته است.

در حقیقت، اعضای سادهٔ حزب عدالت و توسعه فرصتی برای مشارکت در مباحث حزبی و ابراز سلایق خود ندارند. ابراز نظر مخالف ممکن نیست و چنین رویکردی در حزب نهادینه نشده است. برای مسئولیت‌های رهبری نیز بحث رقابت وجود ندارد. در درون حزب بهای چندانی به بحث و مشورت درون حزبی درباره سیاست‌های اساسی داده نمی‌شود. محمد سعید ارمگان، نماینده مجلس از حزب عدالت و توسعه با این استدلال که «حزب را دیگر محیطی مشترک برای تدوین سیاست‌های معقول و معنادار نمی‌داند»، از آن کناره‌گیری کرد. وی همچنین منتقد شخصیت ضددمکراتیک و قدرت‌طلب اردوغان بود و آن را سدی در برابر دموکراتیزاسیون می‌دانست (عزیزی، ۱۳۸۹: ۱۶۳-۱۶۱).

1. Ayan

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

اظهاراتِ اردوغان در تاریخ ۲۱ فوریه ۲۰۱۹ در استان اُردو مبنی بر اینکه «در مرکز حزبمان اقدامات ضروری (از سر تا پا) جهت تحقیقات امنیتی از نامزدهای انتخابات (شهرداری‌ها) چه از طریق سازمان اطلاعات و چه از طریق شورای امنیت ملی انجام داده‌ایم»، واکنش‌های تندی را از سوی فعالان سیاسی جریان‌های مختلف به دنبال داشت. جواد اونِش، معاون اسبق سازمان اطلاعات ترکیه در این خصوص گفته است: «تاکنون اقدامی مبنی بر ارزیابی صلاحیت نامزدهای انتخاباتی از سوی سازمان اطلاعات بی سابقه بوده و چنین تحقیقاتی از منظر قانونی غیرممکن است». همچنین الهان جهانِر حقوقدان ترکیه‌ای، ضمن تأکید بر غیرقانونی بودن هرگونه تحقیقات و بازپرسی امنیتی از نامزدهای سیاسی توسط سازمان اطلاعات، گفت: «این علناً یک جرم است، یک تسویه‌حساب می باشد»! طبق ماده ۲۹۳۷ قانون مربوط به وظایف و اختیارات سازمان اطلاعات، هیچ‌گونه حقی مبنی بر جست‌وجو و بازرسی نامزدهای انتخاباتی به این سازمان داده نشده است. در رفراندم تغییر قانون اساسی سال ۲۰۱۰، به‌رغم تمام تبلیغات ساختار حاکم مبنی بر حذف ماده «حفاظت از حریم خصوصی» نامزدهای سیاسی، این ماده (۲۰) حفظ شد. بنابراین، آنچه امروز اردوغان بیان می‌کند، خلاف آشکار قانون اساسی است. در حقیقت، به معنای واقعی در حال ورود به نظام فاشیستی هستیم که یکی از خصوصیات اصلی آن «رفتار فراقانونی» است. اردوغان از سال‌های ۲۰۱۳ به بعد یک «دولت اطلاعاتی» به معرض نمایش قرار داده و گویا بار دیگر «قانون کودتا» بازگشته است!»[1].

موضوع مهم دیگر این است که حزب عدالت و توسعه آیین‌نامه‌های خود را از زمان تأسیس چندین بار به قصد تأکیدگذاری بر «انضباط حزبی» تغییر داده است. در حالی که حزب خود را مدلی برای «دموکراتیزه کردن ساختار حزبی» در ترکیه می‌داند، قدرت در نهایت در دستان شخص اردوغان متمرکز شده و ظاهراً رشد فزاینده محبوبیت وی موجب پایان دادن به تجربه دموکراتیزاسیون درون حزبی شده است. نوری اُک، دادستان دادگاه عالی استیناف در سال ۲۰۰۵، در پی تغییراتی در آیین‌نامه‌های حزب عدالت و توسعه، از دادگاه قانون اساسی خواست تا به این حزب به خاطر کوتاهی در اصلاح موادی از آیین‌نامه خود، که وی آنها را ناقض قانون احزاب سیاسی ترکیه می‌دانست، تذکر داد. اُک با اشاره به قدرت خارق‌العاده رهبر حزب، غیردموکراتیک بودن آیین‌نامه‌های حزب را یادآور شد. به اظهار وی:

1. Cumhuriyet, 22.01.2019

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

«در دموکراسی‌ها نباید اختیارات خارق‌العاده‌ای چون گزینش نامزدهای حزب در انتخابات و اخذ تصمیم نهایی دربارهٔ گزینش کمیته‌های عالی حزبی به یک نفر داده شود». واقعیت این است که با ملاحظه آیین‌نامه‌های جدید، اردوغان در تعیین نامزدهای کلیدی حزب نقشی تقریباً دیکتاتورمآبانه ایفا کرده است.

در کل، از آنجا که سازماندهی حزب در قالب رهیافت‌های عمودی و از بالا به پایین صورت گرفته و هویت آن نیز به همین ترتیب شکل گرفته است، مشارکت دموکراتیک و سیاست‌گذاری پایین به بالا در آن آرزویی محال به نظر می‌رسد. به طور کلی می‌توان گفت که همه تصمیمات اساسی از سوی اردوغان و مشاوران او اتخاذ می‌شود و او خود از بسیاری جهات به حزب، هویت حزب و ملات همبستگی آن مبدل شده است(عزیزی، ۱۳۸۹: ۱۶۱-۱۶۳).بیشتر منتقدان ایشان را به «دیکتاتوری پنهان حزبی» ملقب کرده‌اند. این منتقدان می‌گویند که اگرچه حزب به لحاظ بیرونی وجهه‌ای دموکراتیک دارد، اما ساختار درونی آن متصلب بوده و از شخصیت و طرز فکر اردوغان بسیار متأثر است.

به طور کلی، اگرچه در ساختارهای دموکراتیک جایگاه افراد در درون سیستم تعریف می‌شود، اما شکنندگی نظام‌های حزبی و عدم تعریف مشخص از رسالت حزب و دولت و نسبت آنها با یکدیگر باعث می‌شود تا نظام حزبی از رسالت آگاهی‌بخش خود به جامعه تهی شده و به عملکرد در راستای منویات فرد و رهبر حزب قرار گیرد. در کشوری مثل ترکیه لااقل در یکی دو سال اخیر با تشدید شکاف‌های متراکم جامعه ترکیه و ضعف احزاب اپوزیسیون، اردوغان و تیم همراه وی با بهره‌گیری از این فضا به تحکیم و یکدست‌سازی قدرت مبادرت کرده و با توسل به پوپولیسم، خود را به مظهری از اقتدارگرایی در یک نظام دموکراتیک تبدیل کرده که تداوم این وضعیت و عدم پذیرش هنجارهای دموکراتیک می‌تواند یکی از جدی‌ترین تهدیدها را در برابر ترکیه نهادینه کند. به‌زعم برخی تحلیلگران، شاید در میان مهم‌ترین مؤلفه‌های تهدید ثبات و دموکراسی در ترکیه، «اقتدارگرایی پوپولیستی» مهم‌ترین شکل تهدید باشد (ارغوانی پیراسلامی، صالحی، ایمانی، ۱۳۹۶: ۲۴).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

بحث و نتیجه‌گیری

حزب عدالت و توسعه پس از پیروزی در انتخابات نوامبر ۲۰۰۲، از سوی جناح‌های مختلف و به دلایل متفاوت مورد انتقاد بوده است. منتقدان می‌گویند که حزب عدالت به اندازه کافی دموکرات نیست، به اندازه کافی ملی‌گرا نیست، به اندازه کافی اسلام‌گرا نیست، به اندازه کافی سکولار نیست، به اندازه کافی لیبرال نیست، به اندازه کافی برای ورود به اتحادیه اروپا کوشش نمی‌کند، به اندازه کافی به جهان اسلام متمایل نیست، به اندازه کافی راست‌گرا نیست، به اندازه کافی از طبقات کم‌درآمد حمایت نمی‌کند، به اندازه کافی دولت‌گرا نیست و ... . این انتقادها از یکسو از منشأ ایدئولوژیک و از سوی دیگر، از دیدگاه اجتماعی- اقتصادی (و به عبارت دیگر طبقاتی) سرچشمه می‌گیرد یا هر دو منشأ همزمان در این انتقادها دخیل هستند. نظر به کسب نزدیک ۵۰ درصد آرای مردم ترکیه توسط حزب عدالت و توسعه و در نتیجه توده‌ای بودن این حزب، به تأکید می‌توان گفت که حزب دارای یک هویت ایدئولوژیک التقاطی است. در حالی که جهت‌گیری لیبرالی حزب در سیاست و اقتصاد ویژگی مورد قبول و پذیرش اکثر عناصر و جناح‌هاست، اما از جهت هویتی عناصر مختلف از اسلام‌گرایی تا ملی‌گرایی مؤلفه‌های هویتی آن را تشکیل می‌دهند. علی یاشار ساریبای تصویر حزب عدالت و توسعه را چنین بیان می‌دارد: اسم: اسلام، اجرائیات، عملکردها: لیبرال، رویکرد: دموکرات و مدار: غرب (ساریبای[1]، ۲۰۰۳: ۱۳).در کل حزب عدالت و توسعه، هم محافظه‌کار، هم توسعه-خواه، هم طرفدار سنت و هم حامی مدرنیته، از یک طرف آزادی‌خواه، از طرف دیگر اخلاق‌گرا، هم به عقل اهمیت می‌دهد و هم مخالف راسیونالیست (عقلانیت) است؛ بیشتر از انقلابی بودن، رفورمیست یا تکامل‌گراست (اوزبودون، ۲۰۰۶: ۵۴۹).

به هر حال در طول دو دهه اخیر، حزب عدالت و توسعه به تدریج از هویت اولیه خود دور شد و ساختاری بیشتر اقتدارگرا به خود گرفت. درخصوص بحث اسلام‌گرایی هم این حزب به تدریج از اصول اخلاقی اسلامیت فاصله گرفت و با کسب ثروت‌های زیاد ملقب به عنوان «مسلمانیت سفید» شد. شبیهِ لقب «ترک‌های سفید» که برای قشر ثروتمند جامعهٔ ترکیه تلخیص می‌شود. حتی درخصوص اردوغان در میان آحاد جامعه این مَثَل رایج است که می-گویند: «اردوغان همانند یک کابادایی از محله کاظم پاشا (فقیرنشین) رفت، اما به شکل

1. Saribay

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

یک اِتیلِری (ثروتمند) برگشت». در حقیقت حزب عدالت و توسعه در پروژه تکامل ارزش‌ها و معنویت شکست خورد. بنابراین، اصول دموکراتیک اعم از عدالت، برابری و اخلاق نقش و اهمیت ثانوی پیدا کردند. اما رهبران حزب و حامیان آن تا حد ممکن از مزایای قدرت و حاکمیت بهره برده و هر روز «سفیدتر و ثروتمندتر» شدند. در حقیقت، حزب عدالت و توسعه برای مسلمانان محافظه‌کار همانند وظیفه یک کاغذ تورنسل یا لیتموس عمل کرد. یعنی «محل تست ثروتمند شدن و قدرت یافتن و رنگ عوض کردن».

به طور کلی، منتقدان حزب عدالت و توسعه به نیات رهبران حزب بدگمان هستند. چرا که اردوغان همواره در ابهام و تناقض سخن می‌گوید و درخصوص مفاهیم مهمی مانند اسلام، دموکراسی، سکولاریسم و غیره دیدگاه ثابت و واحدی ندارد. به عنوان مثال اردوغان ظرف یک دهۀ گذشته و در دوران خدمت به عنوان شهردار استانبول گفته است: «خدای را شکر که من پایبند شریعتم»، «نمی‌توان همزمان هم سکولار بود و هم مسلمان» و «برای ما دمکراسی یک وسیله است نه هدف». بنابراین، برای نمایش پایبندی این حزب به دیدگاه‌های لیبرال، سکولار و دموکراسی ملاک تعیین‌کننده‌ای وجود ندارد. به همین دلیل است که گفته می‌شودحزب عدالت و توسعه هنگام اعلان ایدئولوژی خود، به جای بایدها، بیشتر از «نبایدها» سخن می‌گوید!، به جای «آنچه باشد»، بیشتر «آنچه نباشد» را بیان داشته است. اتفاقاً توده‌ها هم به «آنچه اردوغان می‌گوید» کاری ندارند، بلکه «به چگونگی بیان آن» توجه می‌کنند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

منابع

ارغوانی پیراسلامی، فریبرز؛ صالحی، سیدجواد؛ ایمانی، امیر (پاییز ۱۳۹٦). «مؤلفه‌های ثبات و تهدید در روند دموکراسی ترکیه: ریشه‌های الگوی نوسانی دموکراتیک». فصلنامه پژوهش‌های راهبری سیاست، سال ششم، شماره ۲۲، (شماره پیاپی ۵۲).

امام جمعه‌زاده، جواد؛ رهبرقاضی، محمودرضا؛ محموداغلو، رضا (۱۳۸۹). «چرخش گفتمانی در راهبردهای اسلام‌گرایان ترکیه و علل آن». نشر: آفاق امنیت، شماره ٦، صص ١٥٤- ١٣٩.

بکاراوغلو، ادیب آصف (اسفند ۱۳۹۰). «حزب عدالت و توسعه از منظر منتقدان». میان رشته ای: گفتگو، شماره ۵۹، صص ۲۸-۱۹.

چاغاپتای، سونر (۱۳۹۷). سلطان جدید؛ اردوغان و بحران در ترکیه. مترجم: مهدی قراچه‌داغی. تهران: نشر نسل نواندیش.

خبرگزاری مهر (١٦ خرداد ١٣٩٤). انتخابات ترکیه: حزب عدالت و توسعه و سقوط رتبه ترکیه در آزادی بیان و مطبوعات.

داراب‌زاده، عاطفه؛ وثوقی، سعید؛ قربانی، محمد (زمستان ۱۳۹۲). «بررسی فرصت‌ها و چالش‌های گذار به دموکراسی در ترکیه، از دهه ۱۹۸۰ تاکنون، از منظر نظریه سازه‌انگاری». فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره چهارم، صص ٤٨-٢٦.

رز، ریچارد (۱۳۹۰) دایرةالمعارف بین‌المللی انتخابات. مترجم: محمدتقی دلفروز. تهران: نشر مرکز مطالعات تحقیقات و آموزش وزارت کشور- نشر میزان.

روزنامه شرق (٦ تیر ١٣٩٧). اردوغان هم خلیفه هم رئیس‌جمهور. صالح نیکبخت.

سلیمانی، غلامعلی؛ عبادی، بهزاد (١٣٩٤). «حزب عدالت و توسعه: شکاف‌های اجتماعی و میانجی‌گری سیاسی». پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۵، صص ١٤٣-١١١.

عظیم‌زاده اردبیلی، محمدمنصور؛ مسعودنیا، حسین (بهار ۱۳۹۷). «نئوعثمانی‌گری و چالش‌های آن برای ج.ا.ایران» (دوره زمانی ۲۰۱۲ -۲۰۰۲). فصلنامه علمی- پژوهشی جهان اسلام، سال هشتم، شماره اول، صص ۱۹۷-۲۳٤.

فاضلی، محمد (۱۳۸۹). بنیان‌های ساختاری تحکیم دموکراسی. تهران: نشر کندوکاو.

قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۲). «ترکیه در تقاطع چالش‌های گوناگون». فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۵.

گل محمدی، ولی (تابستان ۱۳۹۵). «کودتای نافرجام ترکیه؛ پیامدهای راهبردی و چشم‌انداز». نشر: فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، شماره ۳۰ ، صص ١٦-٩.

مجیدی، حسن؛ عزیزی هشجین، مهدی (زمستان ۱۳۹۷). «تحلیل انتقادی اختیارات رئیس‌جمهور در قانون اساسی ۲۰۱۷م. ترکیه»، تهران، فصلنامه علمی- پژوهشی جهان اسلام، سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷، صص ۲۹-۱.

ملانی، میچل (۱۳۹۵). سیری در نظریه پیچیدگی. مترجم: رضا امیررحیمی. تهران: فرهنگ نشر نو با همکاری نشر آسیم.

میخلز، رُبرت (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی احزاب سیاسی. مترجم: احمد نقیب‌زاده. تهران: نشر قومس.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

هانتیگتون، ساموئل (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی. مترجم: محسن ثلاثی. تهران: نشر علم.
یاووز، هاکان (۱۳۸۹). سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه. مترجم: احمد عزیزی. تهران: نشر نی.
یئلدرم، باریش؛ بَنلی‌سوی، فوتی (۲۰۱۷/۰۲/۲۰). «بناپارتیسم شکننده‌ی ترکیه». مترجم: نرگس ایمانی. فصلنامه نقد اقتصاد سیاسی، (آدرس اصلی مقاله: BarışYıldırım and FotiBenlisoy, Turkey's Fragile Bonapartism, Left Voice).

Ayan, Pelin (2010). "Authoritarian Party Structures in Turkey: A Comparison of the Republican People's Party and the Justice and Development Party". Turkish Studies, 11: 2, pp. 197-215.

Benlisoy, Foti (11/07/2018). Erdoğan'ın 18 Brumaire'i. www:https://Başlangıç dergi.org.

Bora, Tanıl (2017). Cereyanlar; Türkiye,de Siyasi Cereyanlar. İstanbul: İletişim Yayınları.

Çaylak, Adem (2016). "İslamcı Siyasette İktidar ve İtikat". Birikim, Sayı 328-329.

——— (2016). "Türkiye'de Muhafazakar Müslümanlığın Dönüşümü ve Çukurambarlaşma". Birikim, Sayı. 332.

Dağı, Ihsan (09/01/2004). AK parti müsluman demokrat mı muhafazakar demokrat mı.

———(2006). The Justic and Development Party: Identity, Politics and Human RaghtsDiscurse in the Search for Security and Legitimacy. \M.H, Yavuz,(ed). The Emergenc of a New Turkey: Democracy and the AK Party. Salt Lake City: The University of Utah Press.

Dietrich Jung with Wolfango Piccoli (2001). Turkey at the Crossroads: Ottoman Legacies and a Greater Middle East. Londaon/ New York: Zed Books.

Ergun Özbudun (2014). "AKP at the crossroads: Erdoğan's Majoritarian Drift". South European Society and Politics, V.19, N. 2.

Ergun Özbudun (September-December 2006). "From Political Islam to Conservative Democracy: The Case of the Justice and Development Party in Turkey". South European Society and Politics, Vol. 11, No. 3-4, S. 549.

Gianfranco Poggi (2005). "Modern Devletin Gelişimi, Sosyolojik Bir Yaklaşım". Çev. Şule Kut/Binnaz Toprak, 3. Baskı, İstanbul: İstanbul Bilgi Üniversitesi Yayınları.

Kaya, Ayhan (2016). Avrupa,da Popülist Sağın Yükselişi: Karşılaştırmalı Analiz için Teorik Araçlar. Istanbul: Bilgi Üniversitesi.

Levitsky, Steven & Ziblatt, Daniel (2018). Demokrasiler Nasıl Ölür. İstanbul: Salon Yayınları.

Nuray, Mert (2007). MerkezSağınKısaTarihi. İstanbul: SelisKitaplar.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

NurVergin (Seçim 2007). "MerkezeTalip Bir Çevre Partisinin Önlenemez Yükselişi". Türkiye Günlüğü, Sayı. 90, S. 74.

Oktay, Yasin & Özensel, Ertan (2004). Modern Türkiye,de Siyasi Düşünce. 6. Cilt: İslamcılılık içinde. İstanbul: İletişim Yayıları.

Ömer Çaha (2000). Aşkın Devletten Sivil Topluma. İstanbul: Gendaş Kültür.

Önal Menguşöğlu, Metin (2015). Mağrur Öfke: Necib Fazıl. İstanbul: Metamorfoz Yayıncılık.

Sarıbay, Ali yaşar (2003). AKP Kimliksizliğe Mahkum. Vatan.

Süleyman, Seyfi Öğün (1998). "Doğu-Batı, GericilikNedir?". Yıl. 1, Sayı. 3.

Taşgetiren, Ahmet (Desember 2005). "Muhafazakar Demokrasinin içi Yeterince Dolu Değil". Anlayiş, Sayı. 55-57.

Yıldırım, Ergün (Kasım- Aralık 2002). "AKP:Bir Politik Tsarının Sosyolojik Temsiliyeti". Birikim, Sayı. 163-164, S. 66-70.

Yıldız Ahmet (Ocak- Şubat- Mart 2004). "Muhafazakarlığın Yerlileştirilmesi ya da AKP, nin Yeni Muhafazakar Demokratlığı". Karizma: Muhafazakarlık Yeniden Özel Sayısı, Sayı.17, S. 53-56.

Cumhuriyet, 22.01.2019

Habertürk, 20.08.2018

T24.com.tr /05/02/2019

7 sabah,29.01.2019

Odatv.tr . 30.01.2019

Türkiye Sosyal- Sitasal Eğilimler Araştırması 2018, İstanbul, Kadir Has Üniversitesi Türkiye Araştırma Merkezi, 30 Ocak 2019.

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI:۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۱۱۰
صادقیان، حسن؛ رهبر، عباسعلی (۱۳۹۸)، «موانع تحکیم دموکراسی ترکیه (۲۰۰۲ میلادی تاکنون) «ماهیت سیاسی مبهم، ساختار حزبی متصلب و رهبری اقتدارگرا»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۹، ش۱، بهار ۹۸، صص ۲۶۹-۲۴۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]